

مقاله پژوهشی

نقد حاکمیت جاهلیت مدرن و راهبردهای مقابله با آن از منظر قرآن کریم

محمد حسن محقق^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۳۱

چکیده: تحقیق، در صدد تبیین مفهوم حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، در عرصه سیاست و اجتماع است. فرض مطالعه بر آن است که حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، در راستای حذف حاکمیتی ارزش‌های الهی، از عرصه‌ی اجتماع و حاکمیت، در صدد بارگذاری و تزریق ارزش‌های مبتنی بر آموزه‌های غیر الهی و تحمیل آن‌ها بر اندیشه‌های مردم و جامعه می‌باشد. پژوهش، بر اساس تحلیل داده‌های مرتبط با موضوع و بهره‌مندی از شیوه‌ی تفسیر موضوعی، (با تأکید بر روش استنباطی شهید محمد باقر صدر) است. آیات که دارای دلالت‌های روشن، در خصوص مبارزه با جهل دارند، مرجع استناد پژوهش قرار گرفته‌اند. مهم‌ترین یافته‌های تحقیق، نفی خدا، معادلت با آموزه‌های وحیانی و پیروی از هوای نفس، استکبار ورزی و فتنه‌انگیزی، درون مایه اصلی و عصاره‌ای حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، در ساحت جامعه و سیاست است. در این مطالعه، مبانی، جهان بینی و رفتارهای حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، در عرصه‌های بنیادی، بویژه حیات سیاسی، از نگاه قرآن کریم، مورد بررسی و نقد قرار گرفته و ابطال آن تبیین شده است. راهبردهای قرآنی مواجهه با مبانی و رفتارهای حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، بر مفاهیمی؛ چون خدامحوری، استکبار ستیزی به هم آمیختگی دین و سیاست تکیه می‌کند و در همه مقدرات، رویکردها و رفتارها، التزام به بایدها و نبایدهای کلام وحی توجه دارد.

واژگان اصلی: قرآن کریم، اسلام، حاکمیت، جاهلیت مدرن، نقد، راهبرد.

^۱ . دانش آموخته دکتری قرآن و علوم با گرایش علوم سیاسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده

۱. مقدمه

بدون تردید، یکی از مباحث زنده و پویا، مبحث حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، است که بدیع و نو بودن آن، مبتنی بر این می‌باشد که اغلب کشورها و دولت‌ها به جاهلیت مدرن گرفتار شده است و خط‌مشی آن را دنبال می‌کند، غافل از اینکه خود را در جهل فرورفته بدانند؛ اما، آنچه سیر تطورات تاریخی حاکمیت سیاسی جهالت مدرن، در محدوده زمان خود طی نموده است؛ بیانگر این است که امروزه این پدیده، به‌عنوان یک تفکر و اندیشه‌ای پرطرفدار در حیات سیاسی جهان خودنمایی می‌نماید، با سیاست‌ها و حاکمیت‌های توحیدی به‌شدت تضاد دارد. او با راهبردهای سخت‌افزاری خشونت و پرخاشگری، نرم‌افزاری حيله و نیرنگ، با ترفندهای گوناگون، درصدد حذف حاکمیت و آموزه‌های سیاسی اسلام ناب، از صحنه بین‌الملل می‌باشد. او، سعی دارد که ساختار رب و عبد را، در فرایند ساحت حاکمیت سیاسی، تغییر دهد، سکولاریستی و لائیک‌ی جایگزین و نهادینه شود. حاکمیت الهی را در حیات سیاسی نادیده گرفته و حاکمیت انسان را به‌عنوان یک اصل اساسی، در زندگی سیاسی پیاده کند. فقط به جهان مادی و طبیعت مفهوم و معنی می‌بخشد و وحی را الهام‌بخش ندانسته، او را از صحنه سیاست و حاکمیت بیرون انداخته است. متأسفانه، بسیاری از کشورهای اسلامی و غیر اسلامی در دام، این هیولایی بزرگ گرفتار شده است. این نکته را بایستی بیان نمود که جاهلیت مدرن، در مقابل علم، معمولاً نیست؛ زیرا بسیار از حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، از نگاهی علم بشری و تکنولوژی در جایگاه بالایی قرار گرفته است؛ ولی غرق در جهالت می‌باشد، آموزه‌های حاکمیت و سیاست الهی و وحیانی را دشمن خود تلقی می‌کند. بنابراین، جهالت مدرن را، می‌توان، بربریت، توحش، سرکشی علیه خدا، خشونت، استبداد، خودپرستی، یاوه‌گویی، تحمیر و تثمیر انسان‌ها دانست. به‌هر حال برای برون‌رفت از این بحران جاهلیت مدرن، به کلام وحی؛ یعنی قرآن کریم، بایستی روی آورد، تا این معضل کلان بشری را، از جوامع انسانی دفع و رفع نمود. بنا براین این پژوهش در صدد تبیین حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، از منظر قرآن کریم است و به دنبال جواب این پرسش که حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، چیست؟ در راستای تبیین پرسش مزبور، این فرضیه را مطرح می‌کند که حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، درصدد حذف حاکمیت الهی، جدای دین از سیاست، تضعیف حاکمیت، اقتدار جوامع و کشورهای اسلامی می‌باشد.

۲. روش تحقیق

این پژوهش، بر اساس روش انتقادی و استنباطی-استنتاجی است. نیز این پژوهش، «نقد مبانی و رفتار حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن» است. هدف اصلی آن است که با تبیین و بررسی آن، با استفاده از شیوه استفسار و استنتاج آیات قرآن کریم، نقد نماییم و راهکارهای قرآنی، در جهت بی‌اثر نمودن و ابطال آن، ارائه کنیم. دستورات قرآن را، در ساحت حیات سیاسی و اجتماعی به‌عنوان حجت الهی پذیرا باشیم.

با توجه به مفهوم‌شناسی و مبانی نظری، می‌توانیم مدل مفهومی این پژوهش را به گونه زیر در نظر گرفت.



نمودار مدل مفهومی پژوهش (محقق ساخته)

این نمودار فرایند تحقق الگوی مطلوب این پژوهش را نشان می‌دهد. در این فرایند، ابتدا با توجه با روش «انتقادی و استنباطی-استنتاجی» و «تحلیل توصیف محتوایی» گونه‌های «حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن» مورد بررسی قرار می‌گیرد و در ادامه با دلایل قرآنی، ارزیابی و نقد می‌شود و در نهایت الگوی مطلوب قرآنی استخراج می‌گردد.

۳. پیشینه تحقیق

الف: تحقیقات عام؛ دانشمندان مختلفی با گرایش‌های گوناگون، جاهلیت مدرن را مورد توجه قرار داده‌اند و کتاب‌ها و پایان نامه، در این خصوص تدوین کرده‌اند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد. مانند «کتاب جاهلیت و اسلام» نوشته‌ای یحیی نوری، «جاهلیت مدرن در رویاروی با امام زمان (عج)»

اسماعیل شفیعی سروسناتی و همکاران، «جاهلیت قرن بیستم» محمد قطب. «اسلام و جاهلیت» احمد سعادت، «مسخ حقیقت در جاهلیت» علی علیزاده و پایان‌نامه «ویژگی‌های جاهلیت اولی در قرآن و مقایسه آن با جاهلیت مدرن» معصومه سادات افتخاری.

ب: تحقیقات خاص؛ در حوزه جاهلیت مدرن پایان‌نامه و مقالات مورد نظر به صورت اندک و پراکنده مطرح شده است. مانند «مؤلفه‌های جاهلیت مدرن و راهکارهای مبارزه با آن در قرآن»، مقاله‌ای به نام «راهکارهای اخلاقی مقابله با مؤلفه‌های جاهلیت در جوامع مدرن»، مقاله‌ای با موضوع «پوزیتویسم خطای علمی جاهلیت مدرن و راهکارهای قرآنی با آن» تدوین گردیده است. همین طور، در سخنرانی‌های مقام معظم رهبری نسبت به جاهلیت مدرن اشاره شده است. همان‌گونه که پیدا است، در مورد جاهلیت مدرن تحقیقات گوناگونی صورت گرفته است؛ اما راجع به نقد حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن از منظر قرآن کریم کار مشخصی انجام نشده است. پژوهش حاضر عهده دار این موضوع خواهد بود.

۴. مفاهیم

در فرایند تحقیق مفهوم شناسی و تبیین معنی مفاهیم امر ضروری است، به‌ویژه مباحث کلیدی و بنیادی، بایستی از نگاه ارباب لغت و اصطلاح مورد بررسی و کنکاش قرار گیرد که این امر قطعاً برای تسهیل تنظیم و تبیین تمام روند پژوهش به‌عنوان یک اصل اساسی مباحث ضرورت دارد. ازاین‌رو، به بررسی مفاهیم کلیدی تحقیق پرداخته می‌شود.

۴-۱. حاکمیت سیاسی

مفهوم واژه حاکمیت سیاسی تشکیکی است، تعریف که جامع افراد و مانع اغیار باشد و همه بر آن، اجماع داشته باشد وجود ندارد. به‌هرحال از باب نمونه به برخی از تعاریف که در فرایند این پژوهش نزدیک است، اشاره می‌شود. حاکمیت سیاسی، به معنای حاکم بودن، مسلط بودن، اعمالی که دولت‌ها، برای اعمال قدرت و حل مسائلی که به حفظ نظم عمومی وابسته است انجام دهند می‌باشد. این حق است که سازمان ملل، برای هر ملتی شناخته است و به‌موجب آن، ملت‌ها باید بر سرنوشت خود مسلط باشند و هیچ ملتی حق مداخله در تعیین سرنوشت ملت دیگر را، ندارد (معین، ۱۳۸۵، ۳۹۰). همین‌طور، ژان ویلیام لای‌یر، این‌گونه مفهوم حاکمیت سیاسی را بیان می‌کند: «حاکمیت سیاسی به مفهوم یک نظام مطلق است که متضمن قدرتی است، برای فردی که به آن، می‌تواند هر چه اراده کند انجام دهد و اراده خود را به تمام افراد دیگر تحمیل کند» (لای‌یر، ژان ویلیام، ۱۳۹۲، ۸۴).

همچنین توماس هابز، حاکمیت سیاسی را، به این قسم تعریف می‌نماید «حاکمیت سیاسی قدرت برتری است که به موجب توافق اجتماعی، گذر از وضع طبیعی به جامعه مدنی، به لویاتان (حاکم مقتدر و مدبر) واگذار می‌شود (ویژه، محمدرضا، ۱۳۹۵، ۱۱).

۴-۲. جاهلیت مدرن

. جاهلیت مدرن، عبارت است از حالت نفسانی و کیفیت روانی که از پیروی الهی سرباز می‌زند و حکومت خدا را، در مسائل زندگی به رسمیت نمی‌شناسد (قطب، محمد، ۱۳۹۷، ۳۷). احمد امین مصری، بر این باور است که جاهلیت مدرن، به معنای سفاقت، حماقت، خشم، تکبر و افتخار بی‌جا است (احمد امین، ۱۹۶۴، ۳۱)؛ از منظر مقام معظم رهبری «جاهلیت مدرن غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی می‌باشد. ([HTTP://WWW.KHAMENEI.IR](http://www.khamenei.ir)). تعریف معظم له از جاهلیت مدرن، بیانگر این است که جاهلیت مدرن در پی حاکمیت نیروی شهوت و غضب، نابسانمانی معنویت، حیرت و گمراهی مردم است که با استفاده سوء، از علم روند سلطه خود را گسترش می‌دهد.

۴-۳. راهبرد

فرهنگ لغات راهبرد را «سیاست، نقشه، طرح، طراحی و استراتژی» (نوروزی، مهدی، ۱۳۹۸، ۲۸۴، معنی نموده است. همین‌طور، فرهنگ علوم سیاسی، راهبرد را این گونه تعریف می‌کند. راهبرد: «عبارت است از یک برنامه‌ای منسجم که هدف‌های اصلی، خط و مشی‌ها و اقدامات یک سازمان را بیان می‌کند.» (رحمان سرشت، حسین، ۱۳۷۹، ۱) عده‌ای راهبرد را به عنوان «قواعد کلان و فراگیر در تصمیم‌سازی و چاره‌سازی زیرکانه معنی نموده است.» (خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۷۸، ۳۴) البته دامنه راهبرد، در عصر حاضر توسعه یافته است

۵. مبانی نظری

بنیاد تفکر و تمدن جاهلیت مدرن، در عرصه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی فاقد حقایق پیشینی است. در حوزه اندیشه آن، شناخت حقایق و کشف آن، بر اساس معرفتی تجربی، حسی و طبیعی می‌باشد.

۵-۱. جهان‌بینی سیاسی جاهلیت مدرن

فلسفه‌های اجتماعی و سیاسی، تمامی معرفت‌ها و شناخت‌ها از هستی و جهان، باید‌ها و نبایدها، تشخیص ارزش‌ها، خوب و بد‌ها در تفسیر زندگی ایدئال و جامعه سیاسی ایدئال، از جهان‌بینی

برمی‌خیزد. توصیف و تحلیل ما، از جهان و شناخت ما از هستی، تولیدکننده تکلیف و تعیین‌کننده ارزش‌هاست که دایر مدار جهان‌بینی است. «جهان‌بینی» عبارت است از نگرش انسان به هستی و توجیه و تبیین آن، در رابطه با انسان. به عبارت دیگر، دید کلی که انسان از جهان هستی دارد و بر اساس آن به تعبیر و تفسیر آن می‌پردازد، جهان‌بینی نامیده می‌شود. به‌طورکلی برداشت کلی انسان، از جهان هستی را، جهان‌بینی او می‌گویند. به‌صورت دیگر جهان‌بینی یک سلسله اعتقادات و بینش‌های کلی هماهنگ درباره جهان و انسان و به‌طورکلی درباره هستی می‌باشد (مطهری، مرتضی، ۱۳۷۷، ۶۴). جهان‌بینی جهالت مدرن، مبتنی بر مادی‌گرایی، حس‌گرایی، انسان‌مرکزی، تهی از معنویت و نسبیت اخلاق است. در جهان‌بینی، جاهلیت مدرن خبر از وحی نیست و ابزار شناخت به حس و عقل منحصر بوده و راهنمای او در تشخیص باید‌ها و نبایدها، این دو ابزار هستند. فلاسفه غرب جاهلیت مدرن را به خود اختصاص داده است و دانشمندان مانند هابز، جان لاک، هیوم، راسل، ویتگنشتاین، کانت، هگل، فیخته، شلینگ، نیچه، شوپنهاور، دکارت، سارتر، فوکو، ریکو دریدا و مانند این‌ها، نگاهی، به نفع‌گرایی و بی‌اعتنایی به نیازهای باطنی، معنوی بشر و سعادت مادی و اخروی او، به بازی گرفتن اخلاق، بی‌محتوا ساختن حقوق واقعی و کرامت انسانی دارند (خامنه‌ای، سید محمد، ۱۳۸۶، ۱۴۰-۱۴۱).

تاریخ سیاسی و فرهنگی غرب مدرن، بر اساس این آراء و جهان‌بینی شکل گرفته است که امروز دچار ازخود بیگانگی و خالی از حقیقت می‌باشد. امام خمینی (ره) درباره جهان‌بینی مادی‌گرایان این‌گونه بیان می‌دارد که مادیون معیار شناخت در جهان‌بینی خویش را «حس» دانسته و چیزی را که محسوس نباشد از قلمرو علم بیرون می‌دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب، مانند وجود خداوند تعالی، وحی، نبوت و قیامت، را یکسره افسانه تلقی می‌کنند (خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۹، ۲۲۲). به بیان شهید صدر، در سیستم جهان‌بینی مادی؛ یعنی جاهلیت مدرن، انسان از مبدأ و مقصد خویش جدا شده و تنها اهداف آن، نفع مادی می‌باشد که با تهی و عاری از حقیقت شناخت هستی و جهان، با مکر و گمراهی و ناتوانی همراه است (صدر، محمد باقر، ۱۳۶۲، ۱۷۶). به تعبیر علامه مصباح، در جهان‌بینی جهالت مدرن، انسان موجودی مستقل با عمر محدود و زندگی وی فقط در همین جهان خلاصه می‌شود و انسان سعادت خود را، در همین دنیا جستجو می‌کند و باور به جهان ابدی ندارد (مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸، ۵۰).

۵-۲. نقد جهان‌بینی جهالت مدرن از منظر قرآن کریم

در جهان‌بینی توحیدی، انسان وابسته به خداوند است و هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارد. باور به جهان ابدی دارد که بالاتر از زندگی مادی است (مصباح، پیشین). خداوند متعال، بی‌نیاز مطلق است همه به او نیازمند هستند و او از همه بی‌نیاز است. خداوند در قرآن می‌فرماید «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵). جهان در بینش توحیدی مخلوق است و خداوند متعال خالق آن می‌باشد (مطهری، مرتضی، ۱۳۹۳، ص ۱۸). قرآن کریم، در آیه دیگری، جهان‌بینی را، مبتنی بر تفکر بیان نموده است. انسان از طریق مطالعه آفرینش آسمان‌ها، زمین و گردش شب و روز به واقعیت به نام خدای آفریدگار آن‌ها، متوجه می‌شود «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ» (آل عمران، ۱۹۰). آنان که صاحب تفکر و اندیشه هستند می‌دانند که جهان و کل هستی آفریده خدای متعال است و جهان در ید قدرت لایزال او مدیریت می‌شود.

۳-۵. قدرت طلبی جاهلیت مدرن

آنچه که قدرت را نمایان و حقیقت آن را مکشوف می‌سازد، هدف و روش قدرت خواهان هستند که در پی دست یافتن به قدرت می‌باشند. در زمان تصدی قدرت چه اعمال و اقدامات را رقم می‌زند که به سوی فلاح و رستگاری خود و جامعه قدم بر می‌دارند و یا در مسیر پرتگاهی ضلالت و تباهی حرکت می‌کنند؟

به هر حال، می‌توان گفت که قدرت ذاتاً بد نیست، بلکه یکی از نعمت‌های الهی است و از طریق آن، می‌توان خدمات شایسته‌ای را، در راستای سعادت مادی و معنوی جامعه بشری انجام داد؛ اما عده‌ای از قدرت طلبان به طور مستمر، در صدد تصدی قدرت است که آن را به دست آورده و در مسیر هدف‌های شخصی و منافع مادی صرف نماید. از جمله این افراد، جاهلیت مدرن است که قدرت را برای تسلط یافتن به دیگران، استثمار و به بند کشاندن، عدم پابندی به اصول اخلاقی و انسانی، تجاوز و تعدی، تخریب و به غارت بردن سرمایه‌های، مادی و معنوی کشورهای ضعیف استفاده می‌نمایند. اگر قدرت از مسیر حقیقت و شایسته خود منحرف گردد، دچار مصیبت عظیم می‌شود و خطرهایی جدی را در پی دارد. در این جاست که ماکیاولی، تئوری این مصیبت عظمی را به حاکمان یاد می‌دهد، این گونه توصیه می‌نماید و بر نقش زور عریان، در سلوک حکومت تأکید ویژه دارد. شهریار، هدفی جز اندیشه جنگ و به کار گرفتن آن، درسامان بخشیدن و نظم دادن جامعه نباشد (اسکنیر، کوئتن، ۱۳۹۳، ۲۲۵). ماکیاولی اذعان می‌دارد که شهریار، بایستی ترس آور و خوفناک باشد. برای شهریار شایسته است که مهیب و خوف آور باشد. شهریار خردمند آنست آنچه که در ید و

قدرت خود دارد متکی باشد و استفاده نماید و نه دیگران (ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۸۹، ۱۲۷). این قرائت، حکومت داری ماکیاولی، در اروپا به طوره گسترده شیوع پیدا نمود که از جمله کلیسا را به عنوان فریبکار و نیرنگ باز و پایبند نبودن به اصول اخلاقی در زندگی سیاسی ماکیاولیسم، می‌دانستند (بخشایشی اردستانی، احمد، ۱۳۸۳، ۷۵).

بنابراین، همین نحله‌های فکری ماکیاولی و هم فکران او، به عنوان مبانی حاکمیت سیاسی، در جهان جاهلیت مدرن، قرار گرفت و قدرت را برای تسلط و رام کردن دیگران، از مجرای دروغ و فریب می‌داند.

۴-۵. نقد قدرت طلبی جاهلیت مدرن از منظر قرآن کریم

قرآن کریم، قدرت طلبی را که افسار گسیخته، فاسد و ویرانگر است، در آیات متعدد متذکر می‌شود از جمله در آیه شریفه ۳۴ سوره نمل از زبان ملکه سباء می‌فرماید «قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعِزَّةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ» (نمل، ۳۴)؛ گفت پادشاهان، هنگامی که وارد منطقه آبادی شوند آن را به فساد و تباهی می‌کشند، و عزیزان آن‌جا را ذلیل می‌کنند؛ (آری) کار آنان همین‌گونه است. این‌جا منظور قدرتمندانی هستند که از قدرت خویش مانند جاهلیت مدرن، امروز بهره‌نا مطلوب می‌گیرد. همین طور، در آیه شریفه دیگر بهره‌گیری جاهلیت مدرن را، از قدرت که فساد و طغیان کردن در روی زمین است بیان می‌کند که «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره، آیه ۲۰۵)؛ زمان که ریاست می‌یابد تلاش دارد که در روی زمین فساد نماید، کشت و نسل را نابود سازد و خداوند سبحان تباهکاری را دوست ندارد. منظور از «وَإِذَا تَوَلَّى» هنگامی است که فرد باکوشش ولایت، زعامت می‌یابد. هئیت فعل «تَوَلَّى» و سیاق آیات و افعالی که آمده همین معنا را می‌رساند و با «روی گرداندن» معنای دیگر، این واژه که متعدی به عن می‌شود تناسبی ندارد. جمله «لِيُفْسِدَ فِيهَا» غایت را بیان می‌کند، یا در زمین برای افساد می‌کوشد، یا این که در راه پیشرفت قدرت و نفوذش تلاش می‌کند که لازمه آن افساد است. مواردی مانند حقی قائل نشدن برای افراد، بستن راه‌های رشد و کمال، برتری یافتن فرومایگان و بر کناری فرزندان، همه از مراتب و مظاهر افساد است که به از میان رفتن و تباهی محصول کشت، کار، نسل و استعدادها خلاصه می‌شود (طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، ص ۹۹). موارد که به عنوان تباهی جامعه انسانی، از لسان نورانی قرآن کریم، بیان گردید، برون داد قدرت خواهی جاهلیت مدرن است که چنین اندیشه و کارکردهای از سوی آن‌ها، به ویرانی می‌رود.

۵-۵. انسان شناسی جاهلیت مدرن

از منظر انسان شناسی، پارادایم جاهلیت مدرن بر خود مختاری، فاعلیت و سوژگی انسان، به عنوان موجودی خود شناس و جهان شناس تأکید دارد.

به هر حال، انسان در فضای تمدن مدرن، از حاشیه به مرکز کشیده شد و همچون عنصر مرکزی شناخته شد و از عمل شونده به عمل کننده، از مفعول به فاعل شناسانده تبدیل گردید. این انسان از اوهام و اسطوره‌ها رهایی یافت، به موجودی تأثیرگذار خلق کننده و شناسانده تبدیل شد. این همان ادبیات مدرنیته در غرب است که از آن به عنوان سوژه نام برده است (ساعی ارسی، ایرج، ۱۳۸۹، ۲۱۲).

در انسان شناسی جهالت مدرن، انسان خود، محور و آرمان حیات فردی و سیاسی در این جهان است. این انسان موجود دیگر انفعال ندارد، بلکه در همه ابعاد زندگی خویش و طبیعت، تأثیر اساسی دارد. در باور انسان شناسی، جهالت جدید، انسان مرکز و محور هستی است و موجود خود سامان می‌باشد (کسرای، محمد سالار، ۱۳۸۴، ۹۰). جوهر اندیشه انسان شناسی جهالت مدرن، مبتنی بر ساختار جدید، از انسان است که او همه کاره در فرایند این جهانی است و جهانی دیگری را، برای انسان متصور نمی‌داند و فقط حیات انسانی را در این جهان مادی خلاصه می‌نمایند. در فرحناک اندیشه انسان شناسی جهالت مدرن، مرگ خداوند اعلام شد و یکی از شعارهای اصلی، یکی از اندیشمندان میرز و بر جسته حوزه تفکر غرب مدرن و یا جهالت مدرن نیچه است و او می‌گوید خدا مرده است. آقای ضمیران نیت او را این گونه بیان می‌کند که مراد او از خدا حقیقت استعلایی مستقر در فراسوی عالم طبیعت است، همین حقیقت در روزگار کنونی، اعتبار خود را از کف داده است (ضمیران، محمد، ۱۳۸۲، ۱۴).

۵-۶. نقد انسان شناسی جاهلیت مدرن از منظر قرآن کریم

انسان شناسی، جاهلیت مدرن که با نفی هرگونه ماوراء طبیعت، انسان را محور عالم قرار داده است؛ یعنی نظام تکوین بایستی، تابع امیال انسان تنظیم گردد و نظام تشریع و قانون‌گذاری، نیز با خواسته او باشد. در واقع انسان دایره هستی قرار گرفته است. بر خلاف این دیدگاه، قرآن کریم، محور همه امور را خدای متعال می‌داند و انسان را بی‌چیز و نیازمند به خدای سبحان معرفی می‌نماید. خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر، ۱۵)؛ ای مردم شما (همگی) نیازمند به خدائید؛ تنها خداوند است که بی‌نیاز و شایسته هرگونه حمد و ستایش است.

یعنی امور تکوین عالم به خدای قادر علی‌الاطلاق بر می‌گردد و هم نظام تشریع با اراده حکیمانه الهی شکل می‌گیرد. همچنین می‌فرماید «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (یس، ۸۲)؛ فرمان او چنین است که هرگاه چیزی را اراده کند، تنها به آن می‌گوید «موجود باش»؛ آن نیز بی‌درنگ موجود می‌شود. نیز بیان می‌دارد «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره، ۱۱۷)؛ هستی بخش آسمان‌ها و زمین اوست و هنگامی که فرمان وجود چیزی را صادر کند، تنها می‌گوید «موجود باش!» و آن، فوری موجود می‌شود. در نگاه قرآن کریم، حقیقت امر، این است که انسان، مانند سایر موجودات هستی، برای وصول به کمال خود بایستی در مسیر که خدای متعال تبیین نموده قرار گیرد. مرکز دایره هستی خدای سبحان است و او خالق آسمان‌ها، زمین و انسان است و اراده حکیمانه‌اش فوق اراده‌ها می‌باشد. اراده مستقل غیر از اراده الهی، از نگاه قرآن کریم رسمیت ندارد و باطل می‌باشد.

۵-۷. معرفت‌شناسی جاهلیت مدرن

اساس معرفت‌شناسی جاهلیت مدرن به شکاکیت و عدم حقیقت واحد است. این اندیشه باعث گردیده است که در معرفت حقایق دچار خطا و لغزش شود و در اوهام نسبیّت و تجربه‌گرایی وراء حوزه وحی و کلام الهی روی آورده است.

۵-۸. نسبی‌گرایی

نسبی‌گرایی به عنوان یک رویکرد معرفت‌شناختی که ذهن دانشمندان را، به خود مشغول نموده است. نسبی‌گرایی در برابر مطلق‌گرایی قرار دارد. در این رویکرد، حقیقت امری اعتباری و موقتی می‌باشد و هیچ اطمینانی به توانایی انسان برای شناخت حقیقت وجود ندارد؛ زیرا رسیدن به حقیقت مطلق ممکن نیست. محصول چنین رویکردی، مبتنی برانکار شناخت حقیقت و رسیدن به آن می‌باشد. به تعبیر دیگر، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که یک ادعا حقیقت دارد؛ یعنی هر ادعایی، تنها برای شخص مدعی می‌تواند حقیقت باشد.

این نگرش نسبی‌گرایی جاهلیت مدرن، به منظور اطلاق زدایی از حقیقت است که تنها در تبسّی و توزیع آن در میان ابناء بشر بسنده نکرد، بلکه از طریق جدا سازی میان بود و نبود، راه امکان دست‌یابی به آن را، سد نمود و مسیر نسبیّت را به حقایق و حیانی و نقلی مفتوح کرد که ماحصل آن لا ادرگری است (شجاعی زند، علیرضا، ۱۳۸۳، ۳۹). به تعبیر دیگر، در فرحناک تفکر نسبی‌گرایان، نسبی‌گرایی مبتنی بر نگرشی است که حقیقت مطلق وجود ندارد و تمام داورها و ارزش‌گذاری‌ها،

به عوامل اجتماعی، شخصی و تاریخی بستگی دارد (لاوین، ت.ز، ۱۳۸۴، ۵۸۳). به هر حال، می‌توان گفت که براینچنین پنداری، این است که همه گزاره‌های ارزشی ریشه واقعی عینی ندارد، بلکه در این امر سلاقی و قراردادهای افراد تعیین کننده می‌باشند (محمدی، مسلم، ۱۳۸۹، ۳۷). از این جهت است که هابز می‌گوید خوب و بد بستگی به لذت بخشی، خود انسان دارد. انسانی با انسان دیگر و نحوه تمایزش، متمایز است. از لحاظ نسبیت خیر مطلق وجود ندارد (استیس، والتر، ۱۳۷۷، ۱۵۷). بنابر این حقیقت مطلق ممکن نیست.

۵-۹. نقد نسبی‌گرایی از منظر قرآن کریم

نسبی‌گرایی، یکی از مبنای معرفتی جاهلیت مدرن است. چنین معرفتی دارای اشکال‌های فراوان می‌باشد؛ ولی از باب نمونه به یک اشکال اساسی آن، اشاره می‌شود. نسبی‌گرایی معرفتی، به انکار هستی می‌انجامد؛ زیرا هر پدیده و نمودی امکان دارد، حقیقت نباشد. آیا می‌شود یک پدیده که یک حقیقت است، از نگاه دو نفر و یا چند نفر حقیقت‌های گوناگون شوند؟ جواب منفی است. قرآن کریم، نسبی‌گرایی جاهلیت مدرن را، توهم جاهلانۀ تلقی می‌کند حقایق عالم را سنت‌های پایدار الهی معرفی می‌نماید. «اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» (فاطر، ۳۴)، این‌ها همه بخاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آن‌ها چیزی، جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک آنان) را انتظار دارند؟ هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابد. به تعبیر علامه طباطبایی، سنت خداوند متعال نه تبدیل و نه تحویل می‌باشد؛ زیرا خداوند سبحان، بر صراط مستقیم است حکم او تبعیض و استثنا ندارد (طباطبای، محمد حسین، ۱۳۷۴، ۵۸). قرآن کریم، تمام ارزش‌ها و هنجارهای انسانی را که منتهی به حقیقت الهی نباشند، اوهام، خرافه و باطل تلقی می‌نماید. نسبی‌گرایی، نیز از موارد اوهام و عاری از حقیقت است.

۵-۱۰. تجربه‌گرایی

برای تجربه، دوتا معنی عام و خاص ذکر شده است. معنای عام تجربه از راه‌های گوناگون آزمایش مانند تمرین و تکرار علم و آگاهی محقق می‌شود (صلیبا، جمیل، ۱۳۶۹، ۲۱۰). معنای خاص تجربه دایر مدار، این است که ظواهر پدیده‌های طبیعت، توسط دانشمندان و متخصصین مربوط، در شرایط معینی که خود آن‌ها فراهم آورده‌اند آزمایش و مشاهده می‌گردد (نواک، جورج، ۱۳۸۴، ۵). مراد از

تبیین تجربه‌گرایی، در جاهلیت مدرن، یک دانش و حرفه نیست، بلکه یک نگرش معرفت‌شناختی، مبتنی بر آزمایش و تجربه است که تمام شناخت و رسیدن به حقیقت منوط به آن است. تجربه‌گرایی، یکی از مبانی اصلی معرفت‌شناسی جاهلیت مدرن می‌باشد. تجربه‌گرایی به طور جدی بعد از رنسانس مطرح گردید. از پیشتازان تجربه‌گرایی، می‌توان فیلسوفان مانند جان لاک، بارکلی و هیوم را نام برد. تجربه‌گرایان، اعتقاد دارند که تمام شناخت از تجربه حاصل می‌شود.

۵-۱۱. نقد تجربه‌گرایی از نگاه قرآن

تجربه‌گرایی جاهلیت مدرن، یک نوع مبارزه با معنویت انسان است. این اندیشه معرفتی باور دارد که انسان براساس حس و تجربه تمام اندوخته‌های معرفتی را دریافت می‌کند و دریافت‌های معرفتی فقط از طریق تجربه که انسان به مرور زمان کسب می‌نماید، امکان دارد و نه چیزی دیگری که به نام وحی القاء می‌شود.

باری، چنین اندیشه معرفتی تجربه‌گرایی، اشتباه است. اولاً، نادیده گرفتن وحی است، دوماً، انکار حقایق ماوراء حس و طبیعت است. سوماً، بسیار از حقایق در این جهان است که قابلیت آزمون و خطا را ندارد. قرآن کریم معرفت و کشف حقایق را، تنها از مسیر تجربه‌گرای نادرست می‌داند. فقط معرفت و کشف به حقایق را، آموزه‌های وحیانی و الهام‌های الهی تبیین می‌نماید «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (نحل، ۴۳)، پیش از تو، جز مردانی که به آن‌ها وحی می‌کردیم، نفرستادیم، اگر نمی‌دانید، از آگاهان بپرسید. نکته بسیار مهم را، می‌توان از این آیه شریفه فهم نمود که خداوند متعال بیان می‌فرماید، انسان حقایق عالم را نمی‌داند و ما این حقایق را به پیامبران بیان نمودیم و افراد که دنبال حقایق جهان هستند، بایستی از آنان که اتصال به خداوند دارند؛ یعنی اهل ذکر هستند سوال نمایند، تا حقایق را در یافت نمایند.

۵-۱۲. جدایی دین از سیاست

مقوله جدای دین از حکومت، بدون در نظر گرفتن خداوند و دین، در تنظیم امور معاش و ابعاد زندگی اجتماعی و فردی در اندیشه جاهلیت مدرن، تحلیل و تفسیر گردیده است. اندیشمندان این نحله فکری، به شدت با دین مخالفت ورزیده و در صدد محو کامل آموزه‌های وحی از زندگی بشر، بویژه حاکمیت سیاسی شده‌اند. مانند مارکس، راسل و فروید، دین را منشأ بیماری‌های روانی و افیون جامعه تلقی کرده‌اند. بنابر این جاهلیت مدرن، با تمام توان، در صدد حذف خداوند و آموزه‌های وحیانی، از حیات سیاسی و اجتماعی در جوامع بشری هستند. به هر صورت، در عصر جدید،

جدایی دین از سیاست، به معنای کنار گذاشتن آگاهانه دین، از صحنه‌ای معیشت و سیاست است. جاهلیت مدرن، بر این امر تأکید دارد که هیچ کس در مقام سلطنت و حکومت حق خدایی کردن ندارد و ریاست و سلطنت مظهریت حق نیست (سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۴، ۱۰). جاهلیت مدرن، به عدم دخالت دین در همه برنامه‌های مدیریتی و کشور داری باورمند می‌باشد و به عنوان یک ایدئولوژی و تفکر ویژه به جدای دین از سیاست تلاش می‌کند که این ایدئولوژی در فرایند حاکمیت سیاسی، در کل جوامع انسانی نهادینه گردد. بدون سهل انکاری فرایندی، فعالیت‌های دینی و نهادهای دینی، بایستی از اهمیت و اعتبار اجتماعی باز بماند و متوقف شود. کارکردهای نظام اجتماعی و سیاسی دین از جامعه برداشته شود و از ساختار حاکمیت و حکومت کنار برود. در حال که تمام مبلغان این ایدئولوژی همه امور و مفاهیم ماورایی طبیعی و کارکردهای مختص به آن را، طرد می‌کند و از اصول غیر دینی و ضد دینی سکولاریستی به عنوان اصل اساسی متابعت می‌نماید (میرچا، الیاده، ۱۳۷۴، ۱۲۶-۱۲۹).

۵-۱۳. نقد جدایی دین از سیاست از منظر قرآن کریم

بدون تردید، زندگی جمعی انسان در جامعه از سیاست و حکومت تشکیل شده است. دین مضاف بر عقاید، جهان بینی، احکام و اخلاق، به دنبال سیر تکامل بشر است. بشر بایستی در این جهان مادی رشد نماید و مسیر رشد را هم دین بیان می‌دارد. بسیاری از مسایل دین در قلمرو علمکرد سیاسی نهفته است و همچنین در میدان سیاست، نیز بسیاری از مسایل آن، در قلمرو دین معنی و مفهوم پیدا می‌کند. بنابراین، دین و سیاست باهم تنیده است و جدای پذیر نیست. قرآن کریم، اندیشه و مبانی جدای دین از سیاست را با کلام گوه‌رین خود باطل و بی‌اساس می‌داند و به روشنی تمام بیان می‌نماید که دین و سیاست با هم آمیخته است «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید، ۲۵)، ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم، و با آن‌ها کتاب (آسمانی) و میزان (شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه) نازل کردیم، تا مردم قیام به عدالت کنند؛ آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و منافی برای مردم است، تا خداوند بداند چه کسی او و رسولانش را یاری می‌کند، بی‌آنکه او را ببینند. خداوند قوی و شکست ناپذیر است. همه انبیا که تبیین کننده دین الهی است، سه هدف اساسی را تعقیب می‌نمایند یک؛ اقامه قسط و هدایت جامعه انسانی به سوی عدالت. دو؛ دعوت به سوی حق. سه؛ در مسیر تکامل. هر کدام از این سه هدف والای دین و

انبیا، ارتباط تنگاتنگ با مسایل سیاسی دارد و بدون اندیشه سیاسی منسجم و فلسفه سیاسی واضح، محقق نمی‌گردد.

۶. رفتارهای حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن

حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن در راستای تأمین منافع خود در کشورها به خصوص کشورهای اسلامی از اهرم‌های مانند استبداد و تضعیف حاکمیت‌ها، استفاده می‌نماید.

۱-۶. استبداد

حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، برای استیلا، تسلط بر دیگر ملل و تمدن‌ها، از نظرات فلسفی برخی فیلسوفان استفاده نمود و آن را مستمسک خود قرار داده است. از جمله ماکیاولی مجموعه‌ای از اصول و روش‌ها و دستوراتی را برای حکومت داری ارائه نمود که بنام فلسفه جدید استبداد معروف شده است. از این رو فلسفه سیاسی، ماکیاولی به عنوان «معلم حکمرانان ستمگر» شهرت یافته است (ویلیام، تامس جونز، ۱۳۸۰، ۴۲). ماکیاولی، طرفدار استبداد، حکومت مطلقه و نا محدود است. او در انسان شناختی، انسان را موجود شرور و فاسد مطرح می‌کند (ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۹۴، ۱۰۷). بدین جهت برای دفع انسان شرور تشکیل حکومت مقتدر و مستبد ضروری است. به هر حال ماکیاولی معتقد است که «حاکمیت باروش سخت‌گیرانه و مستبدانه بی‌حد و حساب» حکومت نمایند (ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۹۴، ۱۰۷).

توماس هابز، نیز متمایل به زور و استبداد حاکمیت سیاسی باورمند است و او در کتاب «لویاتان» بر «وجود یک فرمانروایی نیرومند و مقتدر که به مثابه حیوان و جانور وحشتناک» باشد تاکید می‌کند (توماس، هابز، ۱۳۸۵، ۱۵۸). هابز، باور دارد که حاکم برتر، از قانون است و جامعه بر قدرت زمامدار استوار است که نباید او را محدود ساخت (ماکیاولی، نیکولو، ۱۳۹۴، ۱۹۶). محصول چنین دیدگاهی، در باب حاکمیت سیاسی، سبب شد که حاکمیت‌های سیاسی استبدادی زیادی در جهان شکل بگیرند، جز برای رسیدن به منافع، هیچ‌گونه قیودی را قبول ندارند. حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، برای تأمین هدف خود که همان توسعه‌ای ثروت است، قدرت در زعم آن‌ها اصل می‌باشد و همه امور را، در سنجه قدرت می‌سنجد و گسترش آن را، در پرتوی سلطه بر منابع جوامع دیگر، جستجو نموده و با زور و توان نظامی اقدام به اشغال و غارت جوامع دیگر می‌نماید.

۲-۶. نقد استبداد از نگاه قرآن کریم

از منظر قرآن کریم، استبداد ضد انسانیت است. قرآن کریم انسان‌های که تزکیه نشده است و در مسیر

الهی قرار نگرفته است، آن‌ها طغیان می‌کنند «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِكَيِّفَى» (علق، ۶)، مگر، چنین نیست (که شما می‌پندارید) به یقین انسان طغیان می‌کند، از این که خود را بی‌نیاز خیال کنند. همچنین بیان می‌دارد «أَنْ رَأَى اسْتَعْنَى» (علق، ۷)، از اینکه خود را بی‌نیاز ببیند. این نگاه اساسی‌ترین محور قرآنی در باره ریشه استبداد است. قرآن کریم، خود محوری انسان را، عامل اصلی همه گونه‌های استبداد بیان می‌نماید. چنین افرادی خود را، خداوندگار درمیان مردم معرفی می‌کند و به عبارت رساتر، خود بنیاد مطرح می‌نماید. قرآن کریم، آنان را طغیان‌گر معرفی می‌کند. به هر حال، دیدگاه انتقادی قرآن کریم، حول استبدادهای حاکمیت‌های سیاسی جاهلیت مدرن، دور می‌زند. بدین جهت است که قرآن اهتمام به زدودن توهم انسان‌محوری می‌نماید. از منظر قرآن کریم، استبداد ریشه همه بدی‌ها می‌باشد. استبداد دربرابر آیات و آموزه‌های الهی تکبر دارد و مخالفت با دستورات الهی دارد و در واقع خدا انکاری در درون آن نهفته است. چنین حاکمیت سیاسی، اجازه خروج مردم از سیطره انسانی به سیطره الهی را نمی‌دهد. فرهنگ برتری‌جوی و تکبر درمیان لایه‌های مختلف حاکمان به شدت رواج دارند.

۳-۶. تضعیف حاکمیت‌ها

از رفتارهای مهم حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، استراتژی هجوم و اشغال سر زمین‌های دیگر است که بدون هیچ جرمی ملت‌ها را، مورد سرکوب و کشتار قرار می‌دهند. با زورگویی و قلدری و در اختیار داشتن علم و تکنولوژی مدرن، به سمت تیره روزی انسان‌ها، حرکت می‌نماید و حاکمیت‌های سیاسی کشورهای را، با ابزارهای تکنولوژی مدرن، علم و فناوری پیشرفته و شیطنتهای خاصی تضعیف و تحذیف می‌نماید. جاهلیت سیاسی مدرن، با خلق، تثبیت و توسعه بحران‌های بشری در جوامع گوناگون، سعی دارد که روند جاهلیت‌اش را به مثابه یک الگوی شایسته بر ملت‌ها و کشورهای جهان تحمیل نماید.

در حال که اصول و قواعد حاکمیت کشورها، از سوی نهاد منشور سازمان ملل متحد، برسمیت شناخته شده است و مورد تاکید می‌باشد، بطور مکرر، این اصول مورد تخطی حاکمیت‌های سیاسی جاهلیت مدرن، قرار گرفته و آن‌ها را، زیر پا می‌گذارد. حمله و هجوم کشورهای غربی مدرن، به راهبری آمریکا، در افغانستان، عراق، سوریه، لیبی، هجوم وحشیانه رژیم صهیون در فلسطین، بیانگر نقض حاکمیت ملی کشورها می‌باشند. در حالی آن کشورها، به اهمیت تمامیت جغرافیایی خودش تاکید می‌نمایند (دادز، کلاوس، ۱۳۸۹، ۸۴).

۴-۶. نقد تضعیف حاکمیت‌های سیاسی از منظر قرآن کریم

قرآن کریم، یگانه راهنمای وحیانی حفاظت شده برای بشریت می‌باشد، صلح و دوستی با مسلمانان و هم‌پیمانان مقاومت، در برابر طاغوت و ظلم مستکبران عالم، از آموزه‌های بلند حیات بخش آن، در فرایند حاکمیت‌های سیاسی مسلمانان است. همواره قرآن عظیم الشان، با امر به عدالت و احسان از ولنگاری‌ها، هرزگی، فحشا و منکرات نهی کرده و دینی تمدن ساز را، در سایه سعادت و امنیت نوید می‌دهد. طلوع فجر آن، در عصر جدید، خواب از چشم ظالمان و حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، ربوده است. همواره سعی می‌کند که حاکمیت‌های سیاسی که با آنان همسو و وابسته نیستند، از صحنه سیاست و حاکمیت باز دارد. مستضعفان جهان را از حق خودشان که همان حاکمیت بر جهان است محروم سازند؛ ولی، قرآن کریم، حاکمیت سیاسی مستضعفان جهان را، نوید می‌دهد و آنان را وارث به حق و نهایی زمین معرفی می‌کند. همانگونه که می‌فرماید «وَتَرِيدُ أَنْ تُنْفِخَ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضْعِفُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص، ۵)، ما می‌خواهیم بر مستضعفان زمین مَت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. مفاد آیه شریفه، بر پیشوایی و حاکمیت سیاسی مستضعفان و ستم دیدگان عالم بر روی زمین و جانشینی آنان به جای حکومت مستکبران اشاره دارد. آیه مبارکه، حاکمیت و حکومت مستضعفین را یک قانون کلی و سرآمد، در طول تاریخ دانسته است. قرآن کریم، در این آیه نورانی، از برتری اراده و مشیت الهی سخن گفته است و هم‌چنین منت نهادن بر مستضعفان، نیز سخن رانده شده و آن‌ها را، پیشوا و وارثان زمین و حکومت نهایی را از آن، آنان قلمداد نموده است.

۷. راهبردهای قرآنی مواجهه با حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن

۷-۱. خدا محوری

خدا محوری اصل جوهره‌ای اساسی بینشی، است که خدا را در همه شئون حیات خود، ناظر می‌داند و همیشه خود را، در محضر خدا می‌بیند. به تعبیر دیگر، تسلیم محض در برابر فرمان الهی است. در خدا محوری تمام اعمال و رفتارهای سیاسی، حاکمیتی و غیر آن را، بر اساس ملاک و سنجه‌ای که خداوند متعال فرموده است، انجام می‌گیرد، هدف کسب رضایت الهی است. خدای محوری در مقابل انسان‌گرایی می‌باشد. از نگاه قرآن کریم، در تمام فرایند حیات، مقدرات الهی تقدیر می‌شود؛ حتی نظام سیاسی و حاکمیتی جامعه از افاضه مقدرات رب العالمین تفویض می‌گردد. همانطور که می‌فرماید «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق، ۱۶)، ما

انسان را آفریدیم و وسوسه‌های نفس او را می‌دانیم، و ما به او، از رگ قلبش نزدیک‌تریم. مفاد آیه، بیانگر این است که ما انسان را آفریدیم و همواره تا هستی او باقیست از خطورات قلب او آگاهیم و از رگ گردن و قلب انسان نزدیک‌تریم؛ یعنی بر تمام هستی‌اش احاطه کامل داریم. این امر این است که در همه سطوح زندگی خدا محوریت دارد.

۷-۲. استکبار ستیزی

برای کشورها، جوامع اسلامی و هر فرد مسلمان بر اساس منطق و آموزه‌های حیات بخش دینی موظف به مقابله‌ای با ظلم و استکبار جهانی است که مصداق اتم آن، در عالم حاکمیت‌های سیاسی جاهلیت مدرن، هستند که به دنبال سلطه بر سایر کشورها و بویژه کشورها و جوامع اسلامی می‌باشند. لکن قرآن کریم، استکبار را، در جامعه انسانی و اسلامی نمی‌پذیرد و آن را نفی می‌کند. بالاخره بیان می‌دارد که علیه آن، امت‌ها به پاخیزند و حاکمیت و سلطه استکبار را نپذیرند. به عنوان نمونه می‌فرماید «وَإِنْ كَثُرُوا إِيْمَانُهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِی دِیْنِكُمْ فَقَاتِلُوا أِثْمَهُ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أِیْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ» (توبه، ۱۲)، و اگر پیمان‌های خود را پس از عهد خویش بشکنند، و آیین شما را مورد طعن قرار دهند، با پیشوایان کفر پیکار کنید؛ چرا که آن‌ها پیمانی ندارند؛ شاید (با شدت عمل) دست بردارند. مفاد آیه شریفه، دال بر این است که استکبار و دشمنان دین الهی، بر تعهد و قسم که دارند متعهد نیست و همواره معاهدات را نادیده می‌گیرند. قرآن کریم، بالصراحه به دین داران و ستم دیدگان دستور می‌دهد که بایستی رهبران، حاکمیت و اقتدار استکبار، مورد هجوم قرار گیرد و با آنان به شدت مبارزه نمود؛ زیرا، آن‌ها، پیمان ندارند هر زمان که فرصت یابند حمله می‌کند و در صدد تسلط به دیگران است.

۷-۳. جدا ناپذیری دین و سیاست (حاکمیت دینی)

از منظر قرآن، حاکمیت سیاسی امری است که در ذات دیانت نهفته است. اگر حکومت مقتدر و نیرومندی نباشد و جلوی سرکشان و طاغیان را نگیرد، زمین مملو از فساد می‌شود. بعثت انبیاء برای اقامه قسط و عدل در گرو این امر است. دین برای گسستن زنجیرهای اسارت و بردگی انسان و تأمین آزادی بشر می‌باشد. هم‌چنین، برای نجات مستضعفان از چنگال ظالمان، مستکبران و پایان دادن، به سلطه آن‌ها است. اگر سیاست از دین جدا بیافتد، قطعاً به یک عنصر مخرب در مسیر منافع خودکامگی تبدیل می‌شود. اسلام دین سیاست و اجتماع است. یکی از آیات که می‌توان برای تشکیل حکومت و دولت از آن، استفاد نمود آیه ۲۵ سوره ص است که می‌فرماید «قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ

لِی مُلْکًا لَا یَبْنِیْ لِأَحَدٍ مِّنْ بَعْدِیْ اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ» (ص، ۳۵)، گفت: پروردگار مرا ببخش و حکومتی به من عطا کن که بعد از من سزاوار هیچ کس نباشد، که تو بسیار بخشنده‌ای. در این آیه شریفه، حضرت سلیمان درخواست حکومت را، از خدای متعال می‌نماید (وَهَبْ لِّیْ مُلْکًا) خداوند متعال حکومتی به من عطا فرما. خداوند متعال حاکمیت و حکومتی را به حضرت سلیمان عنایت فرمود که گستره آن علاوه بر انسان‌ها، در باد و اجنه نیز گسترش یافت و او، چنین حاکمیتی را در اختیار گرفت. این امر، بدین معنی است که از منظر قرآن دین و سیاست با هم تنیده است و جدا پذیری در میان آن دو، وجود ندارند؛ زیرا هریک مکمل یکدیگر هستند.

۸. نتیجه‌گیری

بدین‌سان، می‌توان به این جمع‌بندی و نتیجه رسید که حاکمیت سیاسی جاهلیت مدرن، بر اساس سه محور بنیادی، شناخته می‌شود.

یک) هستی‌شناسی جاهلیت مدرن؛ در آن، به‌طور مطلق، وجود خداوند متعال را، در بخش اندیشه و تفکر انکار کرده است. اندیشمندان صاحب نام، جاهلیت مدرن که در این باب سخن گفته‌اند، وجود خالق یکتا را در عالم هستی نادیده گرفته و هستی را منحصر به طبیعت و عالم ماده نموده و ماورای عالم طبیعت را منکر شده است؛ اما از منظر قرآن کریم، چنین فهم و ادراکی از هستی، اندیشه‌ای بی‌هسته، خطا و باطل است و فیض الهی مستمراً در تمام هستی در حال افاضه است.

دو) پارادایم انسان‌شناسی جاهلیت مدرن؛ بر خودمختاری مطلق و فاعلیت عام انسان تأکید دارد، به‌ویژه در مسائل حاکمیت سیاسی همواره تلاش کرده است که حاکمیت الهی را از صحنه حاکمیتی و سیاسی حذف نماید و در جای آن، حاکمیت انسان را در جامعه جایگزین کند. متتبی، از نگاه قرآن کریم، چنین پارادایمی بی‌اساس هست و ابطال آن به‌وضوح بیان گردیده است.

سه) در معرفت‌شناسی؛ جاهلیت مدرن، حقیقت را در فرایند زندگانی انسان، به‌خصوص حیات سیاسی و اجتماعی انکار نموده است. این امر سبب شده است که به نسبی‌گرایی، تجربه‌گرایی روی آورد و در مسیر خلاف حقیقت و کژی پیش برود. معرفت‌شناسی جاهلیت مدرن را، قرآن کریم مورد نقادی قرار داده و مهر بطلان به این‌گونه اندیشه‌ای کوبیده است. از نگاه قرآن، وجود حقیقت بسیار روشن می‌باشد و معرفت‌شناسی، بدون حقیقت امکان ندارد.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم.

- احمد امین، ۱۹۶۴، فجر الاسلام، قاهره، مکتبه النهضة المصریه.
- استیس والتر، ۱۳۷۷، دین و نگرش نوین، ترجمه احمد رضا جلیلی، تهران، انتشارات حکمت.
- اسکیر کوئتین، ۱۳۹۳، بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن، ترجمه کاظم فیروزمند، تهران، نشر آگاه.
- امام خمینی روح الله، (ره) ۱۳۷۹، صحیفه امام خمینی، (ره) ج ۲۱، چاپ سوم، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ب خشایشی اردستانی، ۱۳۸۳، احمد، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب، تهران، انتشارات آوای نور.
- توماس ویلیام، ۱۳۸۰، جان استوارت میل، ترجمه خشایار دیهیمی، چ ۱، تهران، طرح نو.
- توماس هابز، ۱۳۸۵، لویاتان، ترجمه حسین بشیریه، چ ۴، تهران، نشر نی.
- خامنه‌ای سید محمد، ۱۳۸۶، انسان در گذرگاه هستی، ج ۲، چ ۱، تهران، بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- دادز کلاوس، ۱۳۸۹، رویکرد نوین به ژئوپلتیک، ترجمه رسول افصلی و دیگران، تهران، نشر نیروهای مسلح.
- دهخدا علی اکبر، ۱۳۴۵، لغت نامه، ج ۴۴، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ساعی ارسى ایرج، ۱۳۸۹، مدرنیته و پسا مدرنیسم، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۲.
- سروش عبدالکریم، ۱۳۷۴، معنا و مبنای سکولاریسم، کیان، سال پنجم، شماره ۲۶، مرداد و شهریور.
- شجاعی زند علیرضا، ۱۳۸۳، عرفی شدن در غرب مسیحی و شرق اسلامی، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
- صلیبا جمیل، ۱۳۶۹، فرهنگ فلسفی، ترجمه منوچهر صانعی دره بیدی، تهران، انتشارات حکمت.
- ضیمران محمد، ۱۳۸۲، نیجه پس از هایدگر، دریدا ودولوز، تهران، انتشارات هرمس.

- طالقانی سید محمود، ۱۳۶۲، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی.
- طباطبایی محمد حسین، ترجمه تفسیرالمیزان، سید محمد باقر موسوی، ج ۱۷، چاپ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- فروخ عمر، ۱۹۶۹، تاریخ العرب العربی، بیروت، دار العلم للملایین.
- قرشی سید علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، ج ۶، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- قره باغی علی اصغر، ۱۳۸۰، تبار شناسی پست مدرنیسم، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- قطب محمد، ۱۳۹۷، جاهلیت قرن بیستم، ترجمه محمد علی عابدی، بی‌جا، انتشارات مولف.
- کسرای محمد سالار، ۱۳۸۴، چالش سنت و مدرنیته در ایران، تهران، نشر مرکز.
- لابی‌یر، ژان ویلیام، ۱۳۹۲، قدرت سیاسی، ترجمه بزر نادر زاد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات فرزانه روز.
- لارنس کهون، ۱۳۸۱، از مدرنیسم تا پست مدرنیسم، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- لاوین، ت. ز. ۱۳۸۴، از سقراط تا سارتر، ترجمه پرویز بابایی، چاپ دوم، تهران، انتشارات نگاه.
- ماکیاولی نیکولو، ۱۳۸۹، شهریار، ترجمه احمد زرکش، تهران، نشر پژوها.
- محمدی مسلم، ۱۳۸۹، مکتب‌های نسبی‌گرایی اخلاقی از یونان باستان تا دوران معاصر، قم، موسسه بوستان کتاب.
- مصباح محمد تقی، ۱۳۸۸، انسان‌سازی در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مطهری مرتضی، ۱۳۹۳، انسان شناسی قرآن، چاپ دوم، تهران، انتشارات صدرا.
- مطهری مرتضی، ۱۳۷۷، مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم، ناشر صدرا.
- معین محمد، ۱۳۸۵، فرهنگ فارسی، تک جلدی، تهران، نشر سرایش.
- مهیار بستانی فتواد افرام، ۱۳۷۵، فرهنگ ابجدی، ج ۲، تهران، انتشارات اسلامی.
- میر چا الیاده، فرهنگ و دین، ۱۳۷۴، برگزیده مقالات دائره المعارف دین، هیات مترجمان زیر نظر بهالالدین خرم شاهی، تهران، انتشارات طرح نو.
- نواک جورج، ۱۳۸۴، فلسفه تجربه‌گرا از لاک تا پوپر، ترجمه پرویز بابایی، تهران، آزاد مهر.

- ویژه محمدرضا و آرین پتفت، ۱۳۹۵، واکاوی مفهوم پسامدرن حاکمیت از دیدگاه حقوقی عمومی
با تأکید بر اندیشه‌های فوکو، فصلنامه پژوهش حقوق عمومی، سال هجدهم، شماره ۵۲.